

قضاوت مقدس خدا ۲ – پیدایش ۷:۶-۱۲, ۱۷-۲۴؛ ۸:۱۸-۲۲

ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

قضاوت مقدس خدا ۲ – پیدایش ۷:۶-۱۲, ۱۷-۲۴؛ ۸:۱۸-۲۲

پیدایش ۷:۶-۱۲

۶ وقتی طوفان آمد، نوح ششصد ساله بود. ۷ او با زن، پسرها و عروس هایش به داخل کشتی رفتند تا از طوفان رهایی یابند. ۸ همانطوری که خداوند به نوح هدایت داده بود، از تمام چهارپایان حلال و حرام و خزندگان جفت جفت نر و ماده ۹ با نوح به داخل کشتی رفتند. ۱۰ پس از هفت روز آب روی زمین را فرا گرفت. ۱۱ در ششصدمین سال زندگی نوح، در روز هفدهم ماه دوم، تمام چشمه های عظیم در زیر زمین باز شد و همه روزنه های آسمان باز شدند ۱۲ و مدت چهل شبانه روز باران می بارید.

پیدایش ۷:۱۷-۲۴

۱۷ مدت چهل روز باران مانند سیل بر زمین می بارید و آب زیادتر می شد بطوری که کشتی از زمین بلند شد. ۱۸ آب به قدری زیاد شد که کشتی بر روی آب به حرکت آمد. ۱۹ آب از روی زمین بالا می آمد و آنقدر بلند شد تا اینکه آب تمام کوههای بلند را پوشانید ۲۰ و به اندازه هفت متر از کوهها بالا تر رفت و همه چیز را پوشانید. ۲۱ هر زنده جانی که در روی زمین حرکت می کرد، یعنی تمام پرندگان، چهارپایان و خزندگان و تمام مردم، همه مُردند. ۲۲ هر جانداري که در روی زمین بود مُرد. ۲۳ خدا هر موجودی را که در روی زمین بود یعنی انسان، چهارپایان و خزندگان و پرندگان آسمان، همه را نابود کرد. فقط نوح با هر چه در کشتی با او بود باقی ماند. ۲۴ آب یکصد و پنجاه روز روی زمین را پوشانده بود.

پیدایش ۸:۱۸-۲۲

۱۸ پس نوح، زن، پسرها و عروس هایش از کشتی بیرون رفتند. ۱۹ تمام چهارپایان و پرندگان و خزندگان هم با جفت های خود از کشتی خارج شدند. ۲۰ نوح قربانگاهی برای خداوند بنا کرد و از هر پرنده و هر حیوان حلال یکی را به عنوان قربانی سوختنی بر قربانگاه قربانی کرد. ۲۱ وقتی بوی خوش قربانی به پیشگاه خداوند رسید، خداوند با خود گفت: «بعد از این دیگر زمین را به خاطر انسان لعنت نمی کنم. گرچه انسان از کودکی افکار شریرانه داشته است. دیگر همه حیوانات را

هلاک نمی‌کنم چنان که کردم. ۲۲ تا زمانی که دنیا هست، کشت و زراعت، سرما و گرما، زمستان و تابستان و روز و شب هم باشد.»

پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می‌بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.